نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ٤١، پاییز ١٤٠٥، صفحات ١ تا ١٢
تاریخ دریافت: ١٤٠٥/٠٤/٠٩ – تاریخ پذیرش: ١٤٠٥/٠٦/١٦

بررسی افزایش دیه در ماه‌های حرام در قتل غیر عمد در فقه اسلام و حقوق ایران

|حسین رحیمی واسکسی*| استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، مازندارن، ایران.
|سیدحسین حسینی کارنامی| استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم پزشکی، ساری، مازندارن، ایران.
|سیدمحمد حسینی| دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، مازندارن، ایران.

چکیده
تغلیظ یکی از اموری که در تشدید مجازات اثر دارد، قتل در ماه‌های حرام است که سبب افزایش یک سوم دیه میگردد. نظر مشهور فقها این است که قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه موجب یک دیه ی کامل و ثلث دیه است. ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ این موضوع را به طور صریح بیان داشته است. اطلاق قتل به قتل عمد منصرف است و در قتل غیرعمدی هتک حرمت صدق نمی کند.هدف از پژوهش بیان مستندات فقهی و حقوقی مسأله جهت استفاده نهاد قانونگذاری در اصلاح قوانین موضوعه انجام شده است با استناد بر این فرضیه که «بررسی افزایش دیه در ماهای حرام در قتل غیر عمد در فقه اسلام و حقوق ایران اختصاص دارد. بررسی نظرات موافقان و مخالفان تعمیم حکم تغلیظ دیه بر همه اقسام قتل نشان داد که دیدگاه اختصاص تغلیظ دیه به قتل‌های عمد مستند به دلایل فقهی و حقوقی شایان توجه بوده و از طرف دیگر، در جوامع امروزی که مردم با ماه‌های حرام بیگانه تر هستند، کارآمدتر از نظریه تعمیم می‌باشد. بر این اساس، رویکرد قانون مجازات اسلامی ایران در پذیرش نظریه تعمیم، به لحاظ فراتقنینی مورد انتقاد به نظر می‌رسد. به هر تقدیر آنچه مورد قبول قانونگذار در ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ قرار گرفته است یک سوم هر نوعی است که قاتل جهت پرداخت انتخاب کرده است. در مقاله حاضر، اصل تغلیظ دیه در ماه‌های حرام مورد اتفاق فقهای اسلامی است، اما در خصوص دامنه شمول آن نسبت به تمامی انواع قتل و نیز نسبت به جنایات مادون قتل اختلاف نظراتی وجود دارد که در این میان، قانون مجازات اسلامی نظریه تعمیم تغلیظ دیه بر همه اقسام قتل را مورد پذیرش قرار داده است. لکن دستاورد نوآورانه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری، دلایل و مستندات متعددی برای اختصاص حکم تغلیظ به قتل‌های عمدی وجود دارد که شایسته است مورد توجه قانونگذار به ویژه در صنعت بیمه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تغلیظ، دیه، قتل غیر عمدی، ماه‌های حرام، بیت المال.

*نویسنده مسئول: hoseinrahimi542@gmail.com

مقدمه

دیه مطابق تعریف ارجح، مال واجبی است که به سبب جنایت بر نفس یا مادون نفسِ (اعضا) انسانِ آزاد به مجنی علیه یا اولیای او پرداخت میشود و در اثر وجود اسبابی تشدید می یابد و بر ارزش مالی آن افزوده می گردد. در میان جوامع قبل از اسلام دیه به تناسب جایگاه اجتماعی فرد مقتول و شرافت و نسبت خانوادگی او تغلیظ می شد. تغلیظ دیه ازجمله کیفیات مشددهِ عینی است و بدینصورت است که اگر صدمه و فوت دریکی از ماه‌های حرام و یا در محدود حرم مکه واقع شود، یک سوم دیه بر میزان تعیین شده افزوده می گردد که از آن به تغلیظ دیه تعبیر میشود. در قانون مجازات اسلامی برای همه انواع قتل ها (عمد، شبه عمد و خطای محض) تغلیظ دیه در نظر گرفته شده است.با توجه به آنکه وقوع جنایت در میان انسانها امری اجتناب ناپذیر بوده و در بسیاری از این حالات نیز دیه لازم می آید و نیز نظر به ارزش قابل توجه میزان دیه در غالب موارد و برای بیشتر افراد و مدنظر قرار دادن آنکه بسیاری از دعاوی مردم برسد مسائل مالی است و اینکه تغلیظ دیه و یا عدم آن تأثیر قابل توجهی در ارزش دیه دارد و مدنظر داشتن این موضوع که میان فقها و حقوق دانان اختلاف نظرهای جدی و تأثیرگذاری در بحث تغلیظ دیه وجود دارد و از امور مبتلابه مردم است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش استنباطی و تفسیری و استدلالی به‌صورت اسنادی و رجوع گسترده به متن و اقوال فقهاء و حقوقدانان و تقریر و نقد این نظریه‌ها صورت گرفته است.

دیه از بیان نظری

دیه یا خون‌بها مالی است که بر اثر نقض تمامیت جسمانی شخصی که مهدورالدم نیست، باید شرعاً پرداخت شود. مطابق ماده ۴۴۸ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است». همچنین از روایات فراوان به دست می‌آید که نهاد حقوقی دیه، از جمله نهادهای حقوقی اسلام است که تا ابد جزء این دین به شمار می‌آید و نمی‌توان به این بهانه که در زمانی یک رسم جاهلی بوده آن را ویژه جامعه عرب‌زبان در صدر اسلام دانست و از کاربرد آن در عصر حاضر چشم پوشید. بسیاری از احکام اسلام، حالت امضایی دارد و امضایی بودن یک حکم از اعتبار شرعی و استحکام آن نمی‌کاهد. از طرف دیگر، سازمان حقوقی کشور ما که برگرفته از نظام حقوقی اسلام بوده است، مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی که اشعار می‌دارد «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی‌باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است» قانون‌گذار را موظف کرده است تمام نهادهای حقوقی اسلامی را رنگ قانونی بخشیده و آن را در تمام سطوح اجتماعی، لازم‌الاجرا سازد. بدین ترتیب، نهاد دیه علاوه بر آنکه در زمره احکام فقهی و حقوقی اسلام در عصر حاضر است، جزئی از سازمان حقوقی کنونی در کشور ما به‌حساب می‌آید. در نهاد حقوقی دیه چالش‌ها و موانع بسیاری وجود

دارد که گاه با وجود خلأ قانونی موجود در نظام حقوقی، بیشتر رخ می‌نمایاند. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به تنوع در اقسام دیه که گاهاً تفاوت قیمت فاحشی میان آن‌ها وجود دارد و در شرع مقدس نیز به آن اشاره شده است، پرداخت خسارت ناشی از جرم در جرائم خطای محض که عاقله مسئول پرداخت آن می‌باشد، پرداخت دیه از بیت‌المال مسلمین در جایی که متخلف و یا مقصر می‌بایست جبران خسارت نماید، تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و نصف بودن دیه زن نسبت به مرد را نام برد(کفشی کمال، ۱۳۹۸، ص۶۴).

ماده ی ۵۵۵ از ق.م.ا مصوبّ ۱۳۹۲ بخش دیات بیان کرده است، هرگاه قتل شامل رفتار و سلب حیات؛ اعم از عمد، شبه عمد و خطای محض در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعده وذی‌الحجه) یا محدوده حرم مکه روی دهد یک سوم به دیه ی کامل افزوده می‌گردد، بنابراین فقهای امامیه در مورد قتل در ماه‌های حرام اتفاق نظر داشته و آنرا موجب تغلیظ دیه می‌دانندکه برگرفته از نظر مشهور فقهای امامیه میباشد(شعبانی، ۵۷، ۱۳۹۹).

تغلیظ دیه دارای سه شرط میباشد، شرط اول لزوم وقوع جنایت در یکی از ماه‌های حرام صورت گیرد مانند ماه محرم، رجب، ذی القعده یا ذی الحجه. بنابراین، اگر مرتکب در غیر از ماه‌های حرام ضربه ای به مجنی علیه وارد کند و او در ماه حرام فوت کند دیه تغلیظ نخواهد شد. و بالعکس اگر ضربه در ماه حرام واقع شود و مجنی علیه پس از مدتی و خارج از ماه حرام فوت کند دیه تغلیظ نمی‌شود.

شرط دوم این موضوع این است که فوت قربانی در یکی از ماه‌های حرام صورت گرفته باشد لذا، در این شرط باید ذکر کنیم که عمل قتل و هم مرگ در ماه حرام باشد تا تغلیظ دیه اعمال گردد. مقدار دیه اعضاء بدن و جراحات در تمام ماه‌های سال یکسان می‌باشد و تغلیظ فقط مختص دیه نفس می‌باشد.

شرط سوم موضوع، لزوم وقوع قتل در مکان حرام میباشد، اگر جنایت منجر به قتل در محدوده حرم مکه واقع شود، مجازات دیه نفس تغلیظ و افزایش خواهد یافت. توجه داشته باشید که سایر مکان‌های متبرک و مقدس شامل حکم تغلیظ دیه نخواهد شد. در حکم تغلیظ دیه فرقی بین فرد بالغ و فرد نابالغ وجود ندارد . یعنی فرقی ندارد که مقتول، کودک باشد یا بزرگ سال، در هر صورت قتل انسان موجب تغلیظ دیه او خواهد شد، همچنین تغلیظ دیه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. یعنی فرقی نمی کند که مقتول زن باشد یا مرد. مقدار دیه قتل هر مقدار که باشد، یک سوم به آن افزوده خواهد شد. یکی دیگر از شرایط کلی تغلیظ دیه، این است که برای اعمال این حکم فرقی بین مقتول مسلمان و نامسلمان وجود ندارد (شعبانی، ۵۸، ۱۳۹۹)

تغلیظ دیه که پرداخت دیه ی کامل به‌علاوه ثلث دیه است در صورت وقوع جنایات دریکی از ماه‌های حرام یا در محدوده حرم اخذ می‌شود. این حکم مورد تأیید مشهور فقهای شیعه و برخی از اهل سنت مانند شافعیه است اما شیخ طوسی، شهیدثانی و صاحب جواهر قائل به اختصاص تغلیظ دیه به جنایات عمد و شبه عمد هستند. در میان مذاهب اهل سنت ابوحنیفه و مالک نیز معتقدند که دیه در هیچ جا تغلیظ نمی‌شود. آیات قرآن، روایات، اجماع و اصل عملی احتیاط از ادله-ی قائلین به تغلیظ است؛ اما کسانی که تغلیظ دیه را در جنایات خطایی رد می‌کنند به عدم دلالت آیات، جرح سندی و دلالتی روایات، مدرکی بودن اجماع، اجرای اصل برائت در صورت شک در تکلیف، عدم وجود عنصر قصد در قتل غیر عمد، غیر عقلایی بودن تغلیظ دیه در حق عاقله و قاعده غلظه و سعه در امور مسلمین تمسک

نموده‌اند. به نظر می‌رسد غلظت و سخت گیری در موارد غیرعمد (شبه عمد و خطایی) نه دلیل موجهی دارد و نه قصد هتک حرمت در جنایات غیر عمدی که با فلسفه تغلیظ دیه همخوانی ندارد؛ بنابر این نهایتاً با توجه به‌حکم مشهور در اخذ دیه ی مغلظه، این حکم منحصر در جنایات عمدی است و دیه در جنایات شبه عمد و خطایی تغلیظ نمی‌شود. بر اساس ماده ۵۵۵ و ۳۸۵ ق.م.ا مصوب سال۱۳۹۲، چنانچه رفتار مرتکب و فوت مجنیٌ علیه هر دو در ماه‌های حرام یا در حرم مکه اتفاق بیافتد، علاوه بر دیه کامل، یک سوم دیه نیز باید به اولیای مقتول پرداخت شود.ولی نسبت به حرم مکّه تحقیقات دقیق نشان می‌دهد که نصّی وجود ندارد و روایاتی را هم که ابان نقل کرده است یا در سند، ارسال دارند ولذا نمی توان به آنها اعتماد نمود، و یا دلالت آنها به ماه‌های حرام مرتبط تر است تا به حرم مکّه بنابراین نمی توان بر اساس آنها فتوا داد. شهرت قابل اعتمادی هم در این مقام وجود ندارد که حداقلّ بتوان با تکیه بر آن، مفاد مواد مذکور را توجیه کرد. قانونگذار، موضوع تغلیظ در حرم مکه را از موادّ فوق حذف نماید. نکته دیگر این که تغلیظ مذکور در هر حال تنها در جنایت بر نفس است و از این حیث فرقی میان عمد، شبه عمد و خطای محض وجود ندارد. البته عمومیّت مذکور اجماعی نبوده، ولی از شهرت قابل اعتمادی بین فقیهان برخوردار است و لذا قانونگذار در ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ نیز به آن تکیه کرده است و از آنجایی که مردم ایران فعالیت خودشان را با ماه‌های قمری تطبیق نمی دهند و حرمت قتل در ماه‌های حرام برای همگان شناخته شده نیست قتل هم به قتل‌های عمدی انصراف دارد و با توجه به تعارض روایات، تسریع افزایش دیه به قتل خطایی و غیر عمدی مشکل است (هاشمی، ۶۴، ۱۳۹۹).

مطابق ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲و در کتابهای فقهی دیه قتل در صورتی صدمه و فوت هر دو در یکی از چهارماه حرام (رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر پرداخت دیه کامل به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم دیه کامل اضافه شود. و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشد دارای این حکم نیستند و افزایش دیه در ماه‌های حرام موضوعی است که فقها قائل به آن هستند و در کتابهای فقهی خود از آن تعبیر به تغلیظ دیه در ماه‌های حرام میکنند و علت این تشدید و تغلیظ را شکستن حرمت این ماهها در مکان مقدس میدانند.

مفهوم و اقسام دیه

دیه در لغت:

دیه یک واژه عربی است، در اصل به صورت وَدی بوده است که حرف «واو» از اول آن حذف شده و حرف «ها» در آخر کلمه به جای آن قرار گرفته است. در فرهنگ‌های لغت فارسی نیز تعاریف و مضامین مشابهی از دیه شده است مثلاً دیه مالی است که بدل نفس مقتول به ولی او داده می‌شود و از باب تسمیه به مصدر است و گاه گفته می‌شود به بدل اعضاء مثل دست یا پا و آن را ارش می‌گویند البته ارش به بدل نفس هم گفته می‌شود (عباسعلی، ۲۴، ۱۳۹۹).

دیه در اصطلاح:

دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو، به مجنی علیه یا ولی یا اولیای دم او داده می‌شود. و جنایت بر منفعت (مانند آسیب رساندن به شنوایی که بدون آسیب دیدن ظاهر عضو صورت می‌پذیرد) را در بر نمی گیرد. اما به نظر می‌رسد که می‌توان از بین بردن کارایی یک عضو را جنایت برآن تلقی کرد. هرچند که در ظاهر به عضو آسیبی نرسد. (عباسعلی، ۲۴، ۱۳۹۹).

دیه در فقه:

از منظر فقیهان اسلام دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا پایین‌تر از نفس انسان آزاد واجب می‌شود. دیه، در برابر ارش است زیرا دیه، مختص به موردی است که دارای مقدار معین شرعی باشد، اما ارش در اصطلاح فقیهان به مالی گفته می‌شود که به جای نقصان مالی یا بدنی واردشده، گرفته می‌شود و دارای مقدار شرعی نباشد. از حیث اصطلاح، غرامت مالی دارای مقدر شرعی است که در اثر تعدی بر انسانی که شرعاً مستحق تعدی نیست، به صاحب حق، پرداخت می‌شود; و بدین سان میان معنای لغوی و اصطلاحی آن، تناسب مشهودی وجود دارد(سعیدی، ۸۶، ۱۳۹۵).

ماه‌های حرام

ماه حرام، ماهی است که احترام به آن واجب است و جنگ و خونریزی در آن ماه ممنوع و حرام شده است. ماه‌های حرام چهار ماه هستند که عبارت‌اند از: رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرم. ماه ذیقعده از این جهت به این نام معروف شده که از جنگ و کشتار دست میکشید و از آن خودداری میکردند. ماه محرم که جنگ و خونریزی در آن ممنوع و حرام بود محرم نامیده شد. اعراب در جاهلیت احترام این ماه‌ها را نگه میداشتند، به طوریکه اگر یکی از ایشان قاتل پدر خود را در این اوقات مشاهده میکرد، متعرض قتل او نمیشد.

فلسفه دیه

دیه یکی از نهادهای حقوقی موردپذیرش اسلام است. ازآنجایی که تاریخ جوامع بشری همواره شاهد جنگها و درگیری‌های بین مردم بوده است که باعث از بین رفتن انسان‌های بی‌گناه زیادی شده، چه بسا بسیاری از این درگیریها و خونریزیها به خاطر خودخواهی و زیاده خواهی برخی از افراد بوده است. از طرفی دیگر اگر به تاریخ برگردیم می بینیم که کیفر جنایات جسمی براثر خون خواص و انتقام جویی شخصی به وجود آمده است؛ یعنی اگر شخصی مورد سوءقصد قرار میگرفت، خودش باید اقدام به انتقام میکرد و حکومت متشکل و قوی که به تأدیب مجرمین و احقاق حق مظلوم بپردازند وجود نداشت. اگر هم بود آنقدر قدرتمند نبود که بتواند عدالت و مساوات برقرار نماید، به همین خاطر جنایت خصوصی که مدعی خصوصی داشت، شخص متضرر با کمک قبیله و عشیره خود در مقام دفع ضرر و انتقام برمی آمد و آنقدر زد وخورد و منازعه واقع میشد تا موضوع به صلح یا عفو متضرر خاتمه مییافت. قانون قصاص، مجازات مرتکب را، از نوع جرمی که انجام داده بود برای او مقرر می کرد که این موضوع در دوران قدیم اساس نظام مجازات بوده است. به همین خاطر قوانین دیرین بشر نسبت به جانیان بسیار

سخت میگرفته تا آنان را بازدارد و نفوس و خون مردم محفوظ بماند. اما با ظهور ملت ها و تحول زندگی بدوی به زندگی مدنی و شهرنشینی وضع کیفری هم تغییر کرد و موضوع خون خواهی و انتقام جویی که مبدأ شخصی داشت تخفیف یافت و منظور عمومی تأدیب و جلوگیری از تکرار جنایت به جای آن نشست تا آنجا که اعدام منحصر به کیفر قتل عمد شد و در جنایت‌های دیگر موضوعیت ندارد و در جرح و ضرب جسمی قصاص متروک شد و به جای آن زندان و جریمه نقدی مقرر گشت و در جرائم مدنی عوض یا بدل خسارت برای جبران ضرر و زیان بر عهده مجرم قرار گرفت که پرداخت دیه یکی از آنهاست. در این راستا دین مبین اسلام برای جلوگیری از خونریزی و انتقام جویی و کینه خواهی عمومی یا قبیله ای که درگذشته رایج بود، ابتدا قصاص را و بعدازآن دیات را تشریح و وضع نمود که به وسیله آن بتواند مانع از اعمالی شود که فقط خونریزی و انتقام جویی را زیاد می کرد و مرهمی باشد بر دردهای حاصل از قتل هایی که خواسته یا ناخواسته مردم دچار آن می شدند و راهی جز تسلیم در برابر آن نداشتند. از طرفی هم پیش از اسلام قبایل مختلف عرب تابع نظام و قانون هماهنگ و یکسانی نبودند و هر قبیله با پیروی از آداب ورسوم اجداد خویش نسبت به قتل و خونخواهی رسوماتی داشتند، لذا بعد از ظهور اسلام قانون هماهنگ و جامعی به وجود آمد تا تکلیف کسانی که مقصریابی تقصیر، عمد یا با خطا کشته می شوند مشخص شود. همچنین دیه در اسلام به این دلیل وضع شد تا کسانی که به نحوی آسیب و خسارت می بینند بتوانند آن را تا حدودی جبران کنند هرچند که بعضی از آسیبها قابل جبران نیست و نمی توان خون انسان و حتی منافع و احساسی مثل بینایی، شنوایی، لامسه و... را قیمت گذاری نمود؛ اما وقتی جرمی یا قتلی به صورت خطا و غیر عمد و یا قتل عمدی که امکان قصاص نداشته باشد رخ می دهد، نمی توان مرتکب را رها کرد و آن را در قبال جان، خون و منافع مجنی علیه مسئول ندانست، بلکه بایستی مبلغی معقول متناسب با حادثه رخداده شده معین کرد تا شاید قسمتی ناچیز از الم و درد مبتلایان را تسکین دهد و باعث مصونیت بنیان آدمی از نابودی گردد و نیز باعث مصونیت از هدر رفتن خود وی شود. به همین خاطر اسلام این مسئله را که قبل از ظهورش در بین عربها وجود داشت امضاء و قانونمند کرد(سلیمی پور، ۱۳۹۹، ص۳۳)

نظریه ماهیت دوگانه بودن دیه

در میان حقوق دانان و صاحب نظران، عده ای هم هستند که معتقدند دیه، ذو جنبتین است؛ یعنی هم جنبه کیفری دارد و مجازات مجرم است و هم جنبه مدنی دارد و جبران ضرر و زیان مجرم را میکند (بازگیر، ۱۳۷۶، ص۱۸).

اینان دیه را نهاد حقوقی مستقل و جداگانه‌ای میدانند که نه در گروه مجازات‌های صرف میگنجد و نه در حیطه ضمان‌های مدنی و جبران خسارت‌های صرف (اباذری قومشی، ۱۳۷۹، ص۶۲).

بنابراین به نحوی باید میان این تناقضهای ظاهری جمع کرد و بهترین راه جمع میان این موارد، آن است که دیه را دارای ماهیتی مرکب از خسارت و مجازات دانست (زراعت، ۱۳۸۸، ص۴۱).

نغلیظ دیه از منظر حقوق و فقه اسلامی

تغلیظ در حقوق

تغلیظ دیه از اصطلاحات علم حقوق بوده و در شرایطی اعمال می‌شود که قتلی در یکی از ماه‌های حرام اتفاق افتاده باشد به معنای افزوده شدن یک سوم به میزان دیه است، بنابراین تغلیظ دیه مختص جرم قتل است برای جراحات و صدمات بدنی تغلیظ دیه در نظر گرفته نشده است که با توجه به نوع قتل و زمان ارتکاب جرم در ماه‌های حرام یا مکان وقوع جرم در حرم مکه تغلیظ دیه صورت می‌گیرد(فردایی مقدم، ۱۳۹۹، ص۱۱۸).

تغلیظ در فقه

اکثر فقهای امامیه در موارد قتل در ماه‌های حرام، حتی در قتل خطایی قائل به تغلیظ دیه می‌باشند؛ به گونه‌ای که برخی از فقهای معاصر بر این باورند که در این مسئله هیچ مخالفی وجود ندارد؛ بلکه در کلمات علمای زیادی بر آن اجماع شده است و برخی روایات برآن دلالت می‌کند. البته با دقت در کلمات فقها می‌توان گفت که هیچ‌کدام از قدما، تغلیظ دیه در قتل خطایی را به صراحت انکار نکرده‌اند، و تنها ظاهر برخی عبارات، اختصاص دیهٔ مغلظه به قتل عمد است(شایانفر، ۱۳۹۵، ص۳۶).

تاثیر افزایش نرخ دیه بر بیمه شخص ثالث در حوادث رانندگی

هرگونه خسارت جانی یا بدنی به شخص ثالث در حادثه تصادف رانندگی مشمول پرداخت غرامت حادثه خواهد بود. مثلاً اگر حادثه منجر به قطع عضو مجروح شود، مبلغ دیه طبق قانون دیه در مجازات اسلامی پرداخت می‌شود. همانطور که گفته شد، شرکت بیمه یا صندوق بیمه خسارت‌های بدنی مسئولیت پرداخت دیه تصادفات را بر عهده دارد. طبق ماده ۱۶ «قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه» آمده است: در حادثه رانندگی که منجر به فوت نمی‌شود، شرکت بیمه یا صندوق بیمه خسارت‌های بدنی باید حداقل ۵۰ درصد دیه را پرداخت کرده و پس از دریافت گزارش پلیس راهنمایی و رانندگی و سایر مراجع ذیصلاح در مواقع لزوم، دیه را پرداخت کند. اگر تصادف رانندگی منجر به فوت شخص ثالث شود، مالک خودرو طبق قوانین جزایی اسلام موظف به پرداخت دیه کامل است. دیه کامل در سال ۱۴۰۱ معادل ۶۰۰ میلیون تومان می‌باشد. این مبلغ در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود. مبلغ دیه کامل براساس قیمت ۱۰۰ شتر سالم محاسبه می‌شود. البته نرخ تورمی که هر ساله بانک مرکزی اعلام می‌کند نیز می‌تواند به طور موثری در دیه کامل تاثیرگذار باشد. به‌سبب اینکه سقف تعهدات مالی بیمه شخص ثالث ۲.۵ درصد مبلغ دیه در هر سال در ماه‌های حرام است، با افزایش نرخ دیه، حداقل تعهدات مالی شرکت‌های بیمه در بیمه شخص ثالث و در سال ۱۴۰۱، یازده میلیون تومان و سقف ارزش خودروهای غیرمتعارف در همین سال مبلغ دویست و بیست میلیون تومان است. خودروهای غیر متعارف خودروهایی هستند که ارزش آنها بیش از نصف دیه آن سال باشد که البته درصورت داشتن خسارت، قاعده نسبی در مورد آنها اعمال می‌گردد. همچنین دیه قتل‌های غیرعمد در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعده و ذی‌الحجه)، یک سوم افزایش می‌یابد. به این قاعده تغلیظ دیه می‌گویند. قانون تغلیظ فقط در مورد قتل نفس، انواع دیه، در ماه‌های ممنوعه

اعمال می‌شود که هیچ تفاوتی با ماه‌های دیگر سال ندارد. در حادثه رانندگی اگر حادثه در یکی از ماه‌های حرام اتفاق بیفتد و منجر به فوت شود، بر اساس قانون تغلیظ دیه، مبلغ نهایی دیه یک سوم اضافه می‌شود. اگر حادثه فقط منجر به صدمه بدنی شود، دیه در ماه حرام و بقیه ایام سال یکسان است. تغلیظ دیه فقط مختص جرم قتل است و برای جراحات و صدمات بدنی، تشدید دیه درنظر گرفته نمی‌شود(وهاب زاده، ۱۳۹۹، ص۱۱۷).

مسئولیت بیت المال نسبت به دیه و ارش

در تعریف ارش گفته شده است که «کل ما لا تقدیر فیه یجب فیه الارش» (هر جنایتی که میزان آن مشخص نشده باشد، باید ارش پرداخت شود). مطابق تعریف مذکور، ارش در برابر دیه قرار می گیرد که مقدار آن در شرع مشخص شده است، با این وجود بسیاری از فقهای امامیه در تعریف دیه آورده اند: «دیه مالی است که به سبب جنایت بر شخص آزاد پرداخت می شود خواه جنایت، بر نفس باشد یا مادون نفس و خواه مقدار آن در شرع معین شده باشد یا خیر». با توجه به نظر اکثریت فقهای معاصر، بین دیه و ارش تفاوتی وجود ندارد از این رو هر گاه میزان ارش جنایت معادل جراحت موضحه و بالاتر از آن باشد، و جانی فاقد عاقله بوده و یا عاقله او توان پرداخت دیه را نداشته باشند، دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد. بر فرض آن که بین دیه و ارش از حیث مشخص بودن یا نبودن مقدار مالی را که جانی باید بپردازد، تفاوت وجود داشته باشد، این تفاوت موجب آن نمی شود که مسئولیت بیت المال را نسبت به ارش جنایت منتفی سازد، زیرا آن چه که موضوعیت دارد «عدم بطلان خون مسلمان» و یا «هدر نرفتن حقّ مسلمان» است نه چیز دیگر. افزون بر آن معقول نیست که گفته شود اگر شخصی در اثر فتنه و آشوب مجروح شده باشد، در صورتی که آن جراحت دارای دیه مقدره باشد بیت المال مسئولیت داشته و در صورتی که جراحت مذکور دارای دیه مقدره نباشد، بیت المال مسئولیتی نداشته باشد و یا زمانی که موضوع خطای قاضی مربوط به مواردی باشد که دارای دیه مقدره است مانند قطع دست متهم، بیت المال مسئول جبران خسارت است لکن در صورتی که موضوع خطا مربوط به مواردی باشد که دارای با دقت در تعریفی که فقها از دیه ارایه کرده اند می توان دریافت که ارش و دیه مقدره دارای احکام، بلکه ماهیت واحدی هستند الا این که در ارش، میزان مالی که جانی باید پرداخت نماید مشخص نشده است و یا اگر مشخص شده باشد به دست ما نرسیده است. لذا به نظر می رسد همان ادلّه ای که در اثبات مسئولیت بیت المال نسبت به دیه جراحات مورد استناد قرار گرفت، همان ادله در مورد ارش نیز عیناً قابل استناد است(بای، ۱۳۸۹، ص۷۶).

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات فقه امامیه، تغلیظ دیه به خاطر قتل خطایی در ماه‌های حرام می‌باشد. بنابر این انکار مسئله‌ای که دارای روایات معتبر و از مسائل مسلم بین فقهای متقدم و متأخر می‌باشد، نیاز به دلیل قطعی دارد؛ در حالی‌که ادله‌ای که مخالفین تغلیظ اقامه نموده‌اند از استحکام کافی برخوردار نیست. مهم‌ترین دلیل بر تغلیظ، روایات عام و خاص است. روشن شد که تمام ملاک‌های حجیت خبر واحد (وثوق خبری و مخبری، ذکر در کتب قدما) شامل این احادیث می‌شود. شاهد معتبر بودن روایات این

باب، آن است که ابن ادریس حلی که خبر واحد را حجت نمی‌داند، صریحاً فتوا به تغلیظ دیه در قتل خطایی می‌دهد؛ حتی عبارت ایشان ظهور در ادعای اجماع نیز دارد. بنابر این، در فرض مسئله، عاقله باید دیۀ مغلظه را پرداخت کند و در صورت عجز یا استنکاف، باید خود قاتل پرداخت کند و در صورت عجز قاتل، دیۀ مغلظه از بیت المال پرداخت می‌شود. در مورد تغلیظ دیه قتل در ماه‌های حرام اجماع وجود دارد، اما برای تغلیظ دیه قتل در حرم مکه فقها دلایل محکمی برای آن پیدا نکردند و مستندات این ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ روایاتی از ائمه معصومین(ع) است، همچنین تغلیظ دیه نسبت به قتل خطای محض به شدت مورد اختلاف فقها میباشد و حتی دلیل کسانی که تغلظ دیه در قتل خطای محض را جایز نمی دانند قوی تر است و بسیاری از فقها، تغلیظ در دیه را مخصوص قتی عمد دانسته اند و نیز تغلیظ دیه قتل در امکان مشرفه غیر از مکه و ماه‌های حرام و زمانهایی که دارای حرمت هستند غیر از ماه‌های حرام را شامل نمیشوند اما بعضی از فقها این تغلیظ را به مکانهای مذبور نیزتسری دادند. بنابر دیدگاه مشهور فقهای امامیه، هرگاه جنایت قتل، در ماه‌های حرام و حرم مکه صورت گیرد، دیه به میزان یک سوم افزایش می‌یابد، این در حالی است که اصل در قتل، اگر عمد باشد، قصاص و در غیر آن، دیه مقرر می‌گردد، لذا دیۀ اضافه نیاز به اثبات دارد . همچنین ادلّۀ قول مشهور قابل مناقشه است. زیرا از یک سو سند روایات مورد استناد آنها، مورد نقد واقع شده‌اند و مبنای این حکم واقع شوند، عمل مشهور هم مطابق دیدگاه برخی فقهاء نمی‌تواند این ضعف سندی را جبران کند، و از سوی دیگر، اجماع مورد ادعا نیز با توجه به متکی بودن بر این روایات، مدرکی بوده و امکان تشریع حکم بر اساس آن وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد باید در حکم تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکه تجدید نظر کرد. نتایج پژوهش بیان دارد، اصل تغلیظ دیه قتل در ماه‌های حرام مورد اتفاق فقهای اسلامی است، اما در خصوص دامنه شمول آن نسبت به تمامی انواع قتل و نیز نسبت به جنایات مادون قتل اختلاف نظراتی وجود دارد که در این میان, قانون مجازات اسلامی نظریه تعمیم تغلیظ دیه بر همه اقسام قتل را مورد پذیرش قرار داده است. لکن دستاورد نوآورانه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری, دلایل و مستندات متعددی برای اختصاص حکم تغلیظ به قتل‌های عمدی وجود دارد که شایسته است مورد توجه قانونگذار به ویژه در صنعت بیمه قرار گیرد. پذیرش نظریه اختصاص تغلیظ دیه به قتل‌های عمدی, از یک سو با شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ایران سازگاری بیشتری دارد و از سوی دیگر باعث کاهش قابل توجه تعهدات قانونی شرکت‌های ارایه کننده بیمه اشخاص ثالث خواهد بود که میزان آن معادل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام می‌باشد؛ زیرا با لحاظ کردن نظریه فوق الذکر در قوانین مربوط, تغلیظ دیه در جنایات شبه عمد ناشی از سوانح رانندگی, سالبه به انتفای موضوع بوده و در نتیجه آن, بسیاری از مشکلات مربوط به مطالبه دیات مازاد بر سقف تعهد بیمه گران نیز مرتفع خواهد شد. وجوب پرداخت دیه از طرف شریعت مستند به دلایلی از کتاب، سنت و اجماع است، دیه گاه به عنوان تشدید مجازات مغلظ می شود و آن زمانی است که یکی از اسباب تغلیظ دیه همانند قتل در ماه‌های حرام و در محدوده حرم مکه صورت گرفته باشد. تغلیظ و افزایش دیه در موارد خاص مبتنی بر اهداف حکیمانه یعنی پیشگیری از جرم و حفاظت از برخی حرمت ها و حدود است. چنانچه قتل به صورت عمد، شبه عمد و یا خطای محض اتفاق بیفتد، از نظر فقهای مذاهب مختلف تغلیظ دیه به گونه ای دیگر است ولی مطابق ماده ۵۵۵ قانون مجازات

اسلامی در این صورت تفاوتی ایجاد نمیگردد و همه به یک صورت مغلظه می شود. ازآنجاکه وضع ماده ۵۵۵ قانون مذکور ریشه فقهی دارد و علت تغلیظ حکم دیه در ماه‌های حرام به سبب شکستن حرمت ماه‌های حرام دانسته شده است، لذا به نظر نگارنده اجرای ماده ۵۵۵ در رابطه با قتلهای غیر عمد با اصول حقوقی سازگاری ندارد.

پیشنهاد

۱. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق در باره فلسفه دیه و بررسی افزایش دیه در ماه‌های حرام در قتل غیر عمد در فقه اسلام و حقوق ایران پیشنهاد میگردد: تغلیظ دیه حکم مزبور مختص قتل عمد گردد. همچنین عاقله و سایر کسانی که غیر از جانی مسئول پرداخت دیه هستند از اعمال دیه مغلظه معاف باشند چون تغلیظ دیه مجازات هاتکین حریم ماه‌های حرام است درحالیکه عاقله یا بیت المال هتک حرمتی نکردد تا مجازات شوند.

۲. نتایج تحقیق موید این است که با توجه به فقدان ادله شرعی حکم به تغلیظ دیه پیشنهاد میگردد: ادله شرعی حکم به تغلیظ دیه به دلیل قتل در حرم مکه از قوانین موضوعه ایران فسخ گردد.

۳. پیشنهاد میگردد با توجه به استقراء در ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ مهم ترین مصادیق پرداخت دیه توسط بیت المال بر مبنای دیه جبران خسارت ناشی از مجازات غیرقانونی، دیه در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه، دیه ناشی از برائت سوگند در قسامه، دیه قتل ناشی از خودداری از اقامه قسامه، فاضل دیه در جنایت مخلّ نظم و امنیت عمومی، دیه جنایت عمومی در فرض عدم دسترسی به مرتکب جرم، عدمپرداخت دیه توسط عاقله، دیه جنایت توسط فرد ایرانی ساکن به عنوان اقلیت‌های دینی، دیه ناشی از جنایت توسط مأمور قانونی، دیه جنایت شبه عمد در فرض عدم دسترسی به مرتکب جرم، دیه جنایت خطای محض در فرض عدم دسترسی به مرتکب جرم، دیه قتل در صورت عدم وجود لوث، دیه قتل در فرض عدم شناسایی قاتل، دیه کشته شدن محکوم به واسطه اجرای مجازات، حکم به پرداخت دیه توسط دادگاه رسیدگی کننده مجدد، قتل در اثر ازدحام جمعیت، پرداخت دیه از باب تغلیظ است.

منابع و مراجع

۱) بهرامی، ب. (۱۳۹۶). اجرای احکام کیفری. تهران: انتشارات نگاه بینه.ج۱، ، چ۲.ص۴۱
۲) حاجی ده آبادی، ا. (۱۳۹۱). قواعد فقه جزایی. قم: نشر حوزه و دانشگاه. ج۱، ، چ۳.ص۸۴
۳) حیدری، ع. (۱۳۹۹). ماهیت حقوقی دیات. تهران: مجله علمی پژوهش فقه. شماره۳، ص۲۴
۴) زراعت، ع. (۱۳۸۸). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات ققنوس، ج۱، چ۲، ص۱۵۶
۵) سعیدی، م. (۱۳۹۵). ماهیّت حقوقی دیات. تهران: نشر میزان. چ اول، ج۱، ص۸۶
۶) شامبیاتی، ه. (۱۳۹۶). حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص. تهران:انتشارات مجد، چ ۹، ص۹۶
۷) شایانفر، ج. (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی تغلیظ دیه مذکور در ماده ۵۵۵ ق.م.ا. تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ج۱، چ۱، ص۳۶
۸) شعبانی، م. (۱۳۹۹). عدم تغلیظ دیه ی قتل خطایی در ماه‌های حرام. تهران: مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی.ص۵۷
۹) صادقی، م. (۱۳۹۳). جرائم علیه اشخاص(صدمات جسمانی). تهران: انتشارات میزان، ج۳، چ۸، ص۴۰
۱۰) طالبی، ح. (۱۳۹۹). تغلیظ دیه در جنایات غیرعمدی در حقوق کیفری ایران فقه شیعه و اهل سنت. تهران: مجله علمی پژوهشی حقوق تطبیقی. دوره۷، شماره۲، ص۷۷
۱۱) عالی‌پور، ح.(۱۴۰۰). واکاوی تغلیظ دیه در ماه‌های حرام با رویکرد انتقادی. تهران: پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره۲، دوره ۵، .ص۹۲
۱۲) فردایی مقدم، ص. (۱۳۹۹). تغلیظ دیه در حقوق ایران. تهران: نشر مجله حقوق و فقه اسلامی، ص۱۱۸
۱۳) فیض، ع.(۱۳۸۳). مبادی فقه واصول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ۱۶، ج۱، ص۵۷
۱۴) قدمی، ح.(۱۳۹۰). تغلیظ دیه در حقوق کیفری ایران، مازندارن: انشارات صدف، ص۷۲
۱۵) قیاسی، ج. (۱۳۹۵). قانون دیات و مقتضیات زمان. ت
۱۶) هران: مرکز نشر تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چ ۱، ص ۸۵
۱۷) کشاورزیان، م. (۱۳۹۷). بررسی تاریخی و حقوقی دیه. تهران: نشر دادگستر، ش۱۷، ص۵۰
۱۸) هاشمی، س. (۱۳۹۹). تغلیظ دیه در جنایات غیرعمدی در حقوق کیفری ایران. تهران: نشر مجله فقه شیعه واهل سنت، ش۱۱۴، ص۶۴
۱۹) عزیزیانی، م، (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی بیت المال در پرداخت دیه مغلظه با مطالعه تطبیقی، تهران. پژوهشگاه علوم انسانی، ص۴۴
۲۰) هاشمی، ح.(۱۳۹۹)، تغلیظ دیه در جنایات غیرعمدی، در حقوق کیفری ایران، فقه شیعه و اهل سنت، تهران، مقاله پژوهشی، فصلنامهٔ علمی حقوق تطبیقی.ص۷۵
۲۱) کفشی کمال. ر، (۱۳۹۸)، بررسی چالش‌های دیه و ارش در فقه و حقوق موضوعه، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ص۶۴
۲۲) سلیمی پور، ع، (۱۳۹۹)، تغلیظ دیه در فقه و مذاهب ایران، شیراز، انتشارات ایلاف، ج۱، ص۳۳
۲۳) بزرگمهر، ح. (۱۳۹۹). نقد فرا تقنینی تعهد به پرداخت دیه مغلظ در حوادث ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی. پژوهشنامه بیمه (صنعت بیمه)، ۳۵(۳)، ۱۸۱-۲۰۵
۲۴) باقری، احمد، .(۱۳۸۹). تغلیظ دیه و مسوولیت بیت المال. فقه و مبانی حقوق اسلامی (مقالات و بررسی‌ها)، ۴۳(۲)، ۴۹-۶۵.

۲۵) یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۹۹). فرایند بازدارندگی مجازات (موانع و محدودیت ها). دانش انتظامی، ۱۱(۴ (مسلسل ۴۵))،
۲۶) درخشان‌نیا، حمید، (۱۴۰۰)، ضرر و زیان ناشی از جرم، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکدۀ حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص۱۲۲
۲۷) آقاخانی، ابوالفضل (۱۴۰۰). مفهوم و قلمرو تلف حکمی موضوع عقد با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵(۱۱۶)، صص. ۳۳-۵۷.
۲۸) ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۳۸ق). *السرائر*. قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۹) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ق). لسان العرب. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.